

تأثیر آگاهی سیاسی دانشجویان
بر تغییر نگرش آنها نسبت به مشروعیت
نظام سیاسی بر اساس نظریه وبر:
مورد مطالعه دانشگاه اصفهان

*
دکتر حسین مسعودنیا

**
گلمراد مرادی

نجات محمدی‌فر

چکیده

نظم سیاسی به معنی هماهنگی اجزای نظام سیاسی جهت دستیابی به اهداف نظام، یکی از خصوصیات مهم جامعه ایدئال است. این امر هنگامی حاصل می‌شود که اعضای آن جامعه به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده اجزای

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (hmass2005@yahoo.com)
** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (n_mohamadifar@yahoo.com)
*** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (n_mohamadifar@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: 1388/8/11

تاریخ دریافت: 1388/1/15

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره چهارم، پاییز 1388، صص 201-232.

نظام سیاسی وظایف خود را شناخته و به آن عمل کنند. از جمله نظریه‌های مهمی که در این راستا مبانی مشروعیت سیاسی را تبیین می‌کند، نظریه مشروعیت وبر است. او بر این باور است که در تحولات سیاسی - اجتماعی یک نظام، مشروعیت از حالت سنتی به سمت عقلانیت در حال حرکت است.

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه است. جامعه آماری مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه اصفهان می‌باشد. تعداد 150 نفر دانشجوی، به شیوه تصادفی سیستماتیک برای مطالعه انتخاب شدند. از روایی صوری و سازه برای ارزیابی سؤالات و آلفای کرونباخ برای پایایی آنها و از روش‌های آماری ضریب پیرسون و تحلیل واریانس و تکنیک رگرسیون و تحلیل مسیر برای سنجش مدل و فرضیات استفاده شد. بر اساس یافته‌های تحقیق، بین دو سازه آگاهی سیاسی و مشروعیت نظام سیاسی کشور ارتباط معناداری وجود دارد. اما این معناداری در جامعه مورد مطالعه بدین صورت است که آگاهی سیاسی با مشروعیت سیاسی در دو بُعد عقلانی و کاریزماتیکی آن رابطه معناداری دارد. این معناداری در جامعه ایران از یک سو با نظریه وبر مبنی بر دگرگونی در تلقی از مشروعیت سنتی به عقلانی بر اثر افزایش آگاهی سیاسی مطابقت دارد و از سوی دیگر در تضاد است. چراکه بر اساس یافته‌های تحقیق به‌رغم حرکت جامعه ایران به سمت عقلانیت بر اثر نوسازی و افزایش آگاهی سیاسی دانشجویان، هم‌زمان با دگرگونی در تلقی تعداد زیادی از آنها از مشروعیت سنتی به عقلانی در خصوص نظام سیاسی، موارد زیادی نیز مشاهده می‌شود که از بُعد سنتی به بُعد کاریزمایی تحول یافته است. لذا شاید بتوان این گونه ادعا کرد که نظریه وبر در خصوص مشروعیت سیاسی، مبنی بر دگرگونی در تلقی از مشروعیت سیاسی از بُعد سنتی به عقلانی در یک جامعه بر اثر افزایش آگاهی سیاسی تا حدودی با تحولات نظام سیاسی ایران انطباق دارد.

واژه‌های کلیدی: مشروعیت سیاسی، آگاهی سیاسی، وبر، دانشجویان،

دانشگاه اصفهان

مقدمه

مشروعیت¹ توجیهی از حاکمیت است یعنی توجیهی از حق فرمان دادن و اطاعت کردن. قدرت² هنگامی مشروعیت پیدا می‌کند که فرمان و اطاعت، توأم با حق و حقانیت تلقی شود. چنین امری لازمه استمرار قدرت است، زیرا قدرت در ذات خود متضمن نابرابری است و در میان نابرابری‌های انسانی، هیچ‌یک به اندازه نابرابری ناشی از قدرت و حاکمیت نیازمند توجیه نیست. مشروعیت پاسخی به این پرسش است که به چه دلیل عده‌ای از انسان‌ها حق فرمانروایی دارند و دیگران وظیفه اطاعت⁽¹⁾ به عبارت دیگر، حق حکومت برای حاکمان و قبول آن از سوی مردم همان مشروعیت است که به ثبات سیاسی یک جامعه منتهی می‌شود. توجیه پذیرش حکومت حاکمان از سوی مردم در جوامع مختلف بر اساس مؤلفه‌های سنتی، مذهبی و قانونی صورت می‌گیرد. از جمله موضوعات بدیهی در مطالعات مربوط به مشروعیت، دگرگونی در تلقی از مشروعیت است که در جوامع مختلف بر اثر گذشت زمان و تحولات اجتماعی و همچنین افزایش آگاهی به وجود می‌آید.

دانشجویان از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که به دلیل افزایش آگاهی سیاسی به‌ویژه با توجه به گسترش ارتباطات در سال‌های اخیر، بیشتر مساعد تغییر در تلقی از مشروعیت از نوع سنتی به انواع دیگری هستند.⁽²⁾ جامعه ایران نیز از جمله جوامعی است که در سال‌های بعد از جنگ از یک طرف بر اثر جوان بودن و از طرف دیگر بر اثر گسترش مراکز آموزش عالی، تعداد دانشجویان آن از

نظر کمی گسترش زیادی یافته است.⁽³⁾ علاوه بر افزایش کمی، فرایند جهانی شدن همراه با گسترش ارتباطات سبب افزایش آگاهی سیاسی آنها شده است، موضوعی که سبب طرح پرسش‌های جدی فراروی ذهن آنها و سبب تغییر در تلقی آنها از مشروعیت نظام سیاسی شده است؛ موضوعی که می‌تواند بر رفتار سیاسی آنها تأثیر بگذارد و توجه به آن از سوی مسئولان در تصمیم‌گیری‌ها برای حفظ ثبات سیاسی در مملکت ضروری می‌نماید.⁽⁴⁾ بنابراین هر نظام سیاسی دوران‌دیش همواره در تلاش است تا ضمن کاهش منتقدان، بر شمار خشنودان و موافقان خود بیافزاید. تداوم این روند به تدریج بر ثبات و دوام پایه‌های آن نظام سیاسی می‌افزاید.⁽⁵⁾

با توجه به چنین مقدمه‌ای محور اصلی پژوهش حاضر را این سؤال تشکیل می‌دهد که افزایش آگاهی سیاسی دانشجویان - با تأکید بر دانشجویان دانشگاه اصفهان - چه تأثیری بر تلقی آنها از مشروعیت نظام سیاسی دارد؟

علاوه بر پرسش اصلی، پرسش‌های فرعی زیر نیز مد نظر بوده‌اند:

1. مشروعیت سیاسی به چه معناست؟
2. آگاهی سیاسی دانشجویان بر اثر چه عواملی شکل می‌گیرد؟
3. چه رابطه‌ای میان آگاهی سیاسی دانشجویان و تلقی آنها از مشروعیت سیاسی وجود دارد؟

هدف از نگارش این مقاله پاسخ به سؤالات مطرح‌شده در دو بخش مجزا است: یکی چهارچوب نظری و دیگر مدل تجربی برای سنجش تأثیر آگاهی سیاسی دانشجویان بر تلقی آنها از مشروعیت سیاسی. برای تبیین چهارچوب نظری از شیوه توصیفی - تحلیلی و برای سنجش مدل تجربی شیوه پیمایشی مدنظر بوده است.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

در ارتباط با موضوع تحقیق مطالعاتی انجام گرفته که ذکر مروری کلی بر نتایج آنها به غنی‌تر کردن محتوای مقاله کمک می‌کند. بازیگر و مرادی‌زاده (1383) در تحقیقی با عنوان «سنجش میزان آگاهی سیاسی دانش‌آموزان شاهد مقطع متوسطه استان

لرستان» به این نتیجه رسیدند که میزان آگاهی سیاسی دانش‌آموزان دختر و پسر شاهد دربارهٔ مقوله رهبری، ریاست‌جمهوری، قوه مقننه، قوه قضاییه و وقایع انقلاب اسلامی تفاوت معناداری وجود ندارد.⁽⁶⁾

فلاح و زاهدی اصل (1378) در پژوهشی با عنوان «جامعه‌شناسی بررسی آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه شاهد» به این نتیجه رسیدند که پاسخ‌گویان در کلیه زمینه‌های مختلف سیاسی از لحاظ میزان آگاهی در سطح متوسط قرار دارند و هیچ اختلاف معناداری بین ورودی‌های مختلف دانشگاه و فارغ‌التحصیلان آن و همچنین بین دانشکده‌های مختلف دانشگاه شاهد از لحاظ میزان آگاهی سیاسی وجود ندارد.⁽⁷⁾ رحمت‌الهی (1382) در مقاله‌ای با عنوان «مشروعیت حکومت از دیدگاه اسلام و ماکس وبر» دیدگاه اسلام و وبر را دربارهٔ مشروعیت بررسی کرد و نتیجه گرفت که عوامل مشروعیت‌آفرین از دیدگاه وبر در مرحلهٔ آغاز حکومت‌ها می‌توانند در استمرار و تداوم نظام‌های حکومتی، کارایی و اثر خود را از دست بدهند، درحالی‌که مبانی مشروعیت‌آفرین در اسلام به دلیل عمق و ریشه در اعتقاد مردم، از استحکام بیشتری برخوردار بوده و یک نظام مبتنی بر آموزه‌های اسلامی (چه شیعه و چه سنی)، حتی در صورت ناکارآمدی نیز امکان بقا و تداوم را دارد؛ مگر آنکه فاقد مبانی مشروعیت‌آفرین باشد.⁽⁸⁾

لیزن¹ (2008) در پژوهشی به عنوان «آزادی رسانه‌ها، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی» به این نتیجه رسید که کنترل رسانه‌ها توسط حکومت‌ها باعث کاهش میزان آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی شهروندان می‌شود. علاوه بر این، از نظر این محقق کنترل رسانه‌ها و بازار فروش آنها توسط حکومت‌ها باعث می‌شود که شهروندان از لحاظ آگاهی سیاسی نادان و بی‌تفاوت باشند.⁽⁹⁾ بازن² (2007) در پژوهشی با عنوان «انگیزه‌دهی به منابع آگاهی سیاسی؛ آیا منافع شخصی مهم است؟» به بررسی منابع مهیج آگاهی سیاسی پرداخت و به این نتیجه رسید که تنوع و کنجکاوای دو منبع مهم آگاهی سیاسی هستند و منافع شخصی صرفاً یک منبع ثانویه در کسب آگاهی از مسائل سیاسی روز برای شهروندان است.⁽¹⁰⁾

فرنٲ¹ (2005) در پژوهشی با عنوان «تهدید رفتار قالبی داشتن و شکاف جنسیت در آگاهی سیاسی» به این نتیجه رسید که زنان به دلیل جنسیت از میزان آگاهی سیاسی کمتری نسبت به مردان برخوردارند.⁽¹¹⁾ گرانلند² (2005) در پژوهشی با عنوان «آگاهی سیاسی و اینترنت» به این نتیجه رسید که اینترنت در کسب اطلاعات سیاسی نقش مؤثری دارد و این امر متقابلاً در آگاهی سیاسی رأی‌دهندگان مؤثر است.⁽¹²⁾ کلازن و هایتون³ (2009) در پژوهشی با عنوان «قطب‌بندی سیاسی میان نخبگان حزبی و اهمیت آگاهی سیاسی میان توده‌های مردم» به تجزیه و تحلیل عقاید درباره سقط جنین، مسائل نژادی و سیاست‌های رفاه اجتماعی پرداختند و درصدد مقایسه یافته‌های خود در بین شهروندان با سطوح مختلفی از اطلاعات سیاسی در طی چندین دهه گذشته برآمدند. آنها فرض را بر این گذاشتند که رشد قطب‌بندی نخبگان ممکن است باعث تشدید اختلافات در سطح آگاهی سیاسی شود. آنها بر این موضوع تأکید می‌کنند که چگونه افزایش وضوح سیاست‌های حزبی باعث پیوند بین تأثیرگذاری نخبگان سیاسی بر روی توده مردم می‌شود. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد عدم وجود انگیزه برای توسعه عقاید منسجم، حتی با وجود ساده‌سازی فضای سیاسی، نمی‌تواند شکاف بین کسانی را که دارای آگاهی سیاسی بیشتر هستند با کسانی که آگاهی کمتری درباره مسائل سیاسی دارند، از بین ببرد.⁽¹³⁾

پس از مرور کلی بر تحقیقات انجام‌شده لازم است مفهوم مشروعیت سیاسی از دیدگاه اندیشمندان نیز بررسی شود. داگن⁴ بر این باور است که تعریف واحدی درباره مشروعیت سیاسی وجود ندارد و این مسئله از دیدگاه‌های متفاوتی قابل بررسی است.⁽¹⁴⁾ در مقاله حاضر در دو حوزه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی بحث مشروعیت سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حوزه جامعه‌شناسی با در نظر گرفتن زیربنای فلسفی نظریه‌ها، می‌توان موضوع مشروعیت سیاسی را از سه

1. Fournet
2. Gronlund
3. Claassen And Highton
4. Dogan

منظر متفاوت نگاه کرد: رویکرد انتقادی¹ به دنبال دستیابی به ساخت‌های واقعی و پنهان روابط انسان‌ها در دنیای مادی است تا مردم به‌ویژه ضعیفان را در تغییر دنیای اجتماعی‌شان یاری رساند.⁽¹⁵⁾ در قالب این رهیافت هابرماس² اعتقاد دارد که حوزه عمومی سیاست جایی برای تجلی افکار عمومی است، عرصه‌ای که از هجوم گسترده علائق و انگیزه‌های خصوصی فارغ باشد. مهم‌ترین نمود این حوزه بیان و گفتار آزاد و انتقاد منطقی از عملکرد و سیاست‌های نظام سیاسی است. در حوزه عمومی، چنین اجتماعی نه مبتنی بر زور است و نه بر اساس دیکتاتوری اکثریت، بلکه با توافق و رضایت افراد حاصل می‌شود و خود بنایی است برای مشروعیت دولت مردم‌سالار.⁽¹⁶⁾ هابرماس ریشه اعتراضات دانشجویی را در حوزه اجتماعی - روان‌شناختی آنها جستجو می‌کند. به نظر وی دانشجویان یکی از گروه‌های ممتاز جامعه هستند و برای کسب ثروت شورش نمی‌کنند، بلکه نسبت به امتیازات و دستاوردها در جامعه سرمایه‌داری معترض هستند. هدف آنان سیاسی کردن حوزه عمومی است و مشروعیت جامعه سرمایه‌داری را در ضعیف‌ترین نقاط آن زیر سؤال می‌برند. هابرماس جنبش‌های دانشجویی را نوعی جنبش غیرانقلابی و مبتنی بر استدلال عقلی و جدا از احساسات و عواطف می‌داند و به‌شدت نگران روش‌های خشونت‌آمیز و انقلابی جنبش‌های دانشجویی است.

رویکرد دوم تفسیری³ است که به دنبال درک حیات انسانی و شعور عامیانه مردم است. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این رهیافت فکری می‌توان به وبر⁴ اشاره کرد. وی مفهوم مشروعیت را به کار برد و معتقد است که فقدان مشروعیت به از میان رفتن اعتماد عمومی نسبت به حکومت می‌انجامد. رویکرد اجتماعی سوم اثباتی⁵ است که علوم اجتماعی را روشی سازمان‌یافته برای ترکیب منطق قیاس با مشاهده تجربی دقیق از رفتار فردی جهت کشف و تبیین مجموعه‌ای از قوانین علی احتمالی

1. Critical Approach
2. Habermas
3. Interpretive
4. Weber
5. Positivism

می‌داند.⁽¹⁷⁾ بیان‌های نظری این رهیافت اجتماعی توانست با کمک تحقیقات تجربی بسیاری از پژوهشگران به صورت یک نگرش علمی نظام‌یافته درآید. این برداشت فرض می‌کند کل جامعه همانند سیستمی مرکب از بخش‌های مختلف است که هر بخش ضمن انجام وظایف خود در ارتباط با بخش‌های دیگر است. در این راستا می‌توان نظریه آلموند¹ را نمونه مرتبطی دانست.

حوزه دیگری که مشروعیت سیاسی از آن رهیافت مطالعه می‌شود، نظریه‌های علوم سیاسی است. برخی از پژوهشگران علوم سیاسی بر این اعتقادند که در دنیای امروز راه‌های ابزار تحصیل مشروعیت از شکنندگی زیادی برخوردار است و لذا بسیاری برای حفظ مشروعیت به‌ویژه در کشورهای جهان سوم بر منابع نمادی (سمبلیک) تأکید می‌کنند.⁽¹⁸⁾ پژوهشگران علوم سیاسی به پنج نوع از مشروعیت اشاره کرده‌اند که عبارتند: از مشروعیت سنتی، مشروعیت ایدئولوژیک، مشروعیت شخصی، مشروعیت رویه‌ای و مشروعیت ابزاری. به‌طور کلی نظام‌هایی که حق حکومت کردن را طبق اصول سنتی، ایدئولوژیک و شخصیتی مشروعیت توجیه می‌کنند بیشترین استفاده را از نمادها می‌برند.⁽¹⁹⁾

ایستون² سه نوع مشروعیت را چنین توصیف می‌کند:

1. مشروعیت ایدئولوژیک: وقتی که منبع مشروعیت ایدئولوژی حاکم بر جامعه باشد آن را مشروعیت ایدئولوژیک می‌نامند؛
2. مشروعیت ساختاری: هر نظام سیاسی، اصولی در مورد واگذاری قدرت سیاسی و اعمال اقتدار دارد و بر پایه این اصول از مردم می‌خواهد اعتبار ساختارها و هنجارهای رژیم را بپذیرند. اگر اعتبار ساختارها و هنجارهای رژیم پذیرفته شود، مشروعیت ساختاری به وجود می‌آید.
3. مشروعیت شخصی: اگر رهبران شخصیت و رفتار برجسته‌ای داشته باشند و اگر مردم آنها را قابل اعتماد و علاقه‌مند و متوجه به مسائل خود بدانند یا از آنها بخواهند جامعه را به طرز دیگری اداره کنند و آنها هم بپذیرند، واقعیت غیر قابل انکاری پدید می‌آید که آن را مشروعیت شخصی می‌نامند. به اعتقاد ایستون گروه

1. Almond
2. Easton

بزرگی از رهبران، گذشته از هرگونه اعتقاد باطنی یا شناخت بیرونی پیروان، باور به مشروعیت خود را به وجود می‌آورند.⁽²⁰⁾

چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این مقاله برگرفته از رهیافت اثباتی - تفسیری و با محوریت رهیافت اثباتی است که به طور خاص بر نظریه وبر تأکید دارد. وبر جامعه‌شناس آلمانی، مفهوم مشروعیت را به صورت مفهومی عام بیان کرد. به عقیده او، مشروعیت بر باور مبتنی است و از مردم اطاعت می‌طلبد. مشروعیت را می‌توان مبانی حقانیت و تجویز اعمال سلطه تعریف نمود.⁽²¹⁾ در ایده‌های وبر، مشروعیت در قالب مفهومی فراگیر عرضه شده اما صرفاً توافق و پذیرش بنیاد فرمانروایی مشروع از سوی مردم مدنظر بوده است. وبر در جامعه‌شناسی سیاسی خود سه منبع برای مشروعیت مطرح کرده است:⁽²²⁾

1. مشروعیت سنتی¹: مبتنی بر اعتقاد متداول به تقدس سنت‌هایی است که از قدیم اعتبار داشته‌اند و مشروعیت کسانی که این سنت‌ها آنان را مأمور و مجاز به اعمال سیادت می‌کند.⁽²³⁾ در مشروعیت سنتی از سرور و رئیس که مقام ریاست و رهبری خود را مدیون سنت می‌داند و به آن سنت مقید است، پیروی می‌شود. در اینجا، لزوم اطاعت متکی بر مقررات غیر شخصی نیست بلکه عبارت است از وفاداری شخصی در حیطه وظایف مرسوم.⁽²⁴⁾ در این نوع مشروعیت مجال شخصی شدن حکومت وجود دارد؛ با این حال حکام سنتی معمولاً وقتی سنت‌ها را رعایت نکنند حکومت خود را در معرض خطر قرار می‌دهند. این نوع اقتدار که بر جوامع ماقبل جامعه نوین حاکم بوده بر اعتقاد به تقدس گذشته ازلی استوار است. اقتدار سنتی در اشخاص خاصی عجین شده که یا آن را به ارث می‌برند و یا آن را از یک مرجع اقتدار والاتری می‌گیرند.⁽²⁵⁾

2. مشروعیت کاریزمایی²: مبتنی است بر فرمانبرداری غیرعادی و استثنایی از یک فرد به خاطر تقدس، قهرمانی و یا سرمشق بودنش و نیز فرمانبرداری از نظامی که وی ایجاد کرده یا به شکل وحی بر او نازل شده است، و ایشار در برابر او و

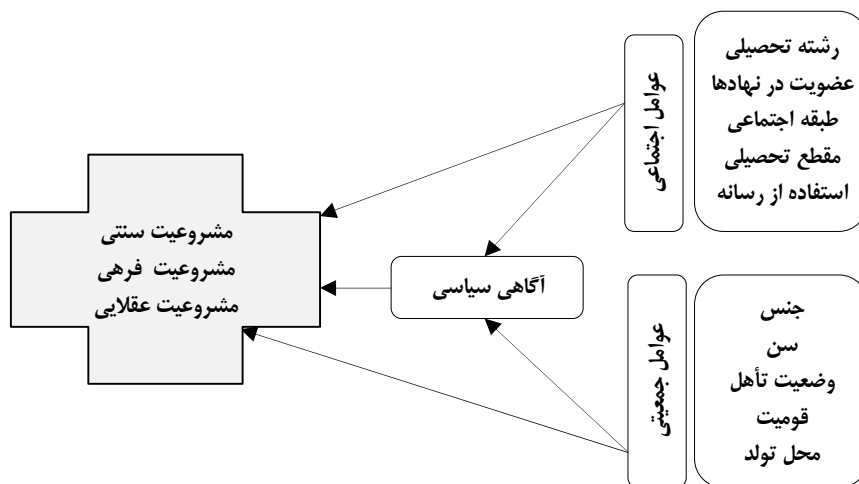
نظامش.⁽²⁶⁾ در مشروعیت کاریزمایی، از شخص رهبر بنا به اعتماد به شخص او یا به وحی نازل شده بر او و یا به قهرمانی و یا سر مشق بودن او در محدوده اعتقاد به کاریزمای وی، اطاعت می‌شود.⁽²⁷⁾ کاریزما نیرویی است غیرعقلانی و معجزه‌آسا که در حیطه غیرعقلانی زندگی اجتماعی پدید می‌آید و مبتنی است بر اطاعت غیرمعمول و ویژه که چنانچه در وجود یک فرد تجلی پیدا کند، آن شخص به نظر پیروان، فردی خارق‌العاده می‌آید. این نوع مشروعیت ممکن است مبتنی بر هواخواهی از تقدس ویژه و استثنایی یا خصلت قابل ستایش یک شخص باشد.⁽²⁸⁾ اگر حق فرمانروایی از صفات ویژه رهبر برآمده باشد، اقتدار فرهی (کاریزماتیک) پدید می‌آید. به گفته وبر، اقتدار فرهی بر قهرمان‌پروری مقدس ویژه و استثنایی یا بر خصلت و صفت ستوده یک شخص متکی است.⁽²⁹⁾ اقتدار فرهمندانه بر جاذبه‌های رهبرانی استوار است که به خاطر فضیلت خارق‌العاده اخلاقی و قهرمانی خواستار تبعیت جامعه‌اند.⁽³⁰⁾

3. مشروعیت قانونی - عقلایی: ¹ مبتنی است بر اعتقاد به قانونی بودن مقررات موجود و حق اعمال سیادت کسانی که این مقررات آنان را برای این اقدام فراخوانده‌اند.⁽³¹⁾ در مشروعیت قانونی از نظام عینی و غیرشخصی و موضوعه و از مافوقی که این نظام تعیین می‌کند اطاعت می‌شود. این اطاعت مبتنی بر قانونمندی صوری دستورهاست و در محدوده صلاحیت آنها قرار دارد.⁽³²⁾ مشروعیت ممکن است بر این باور مبتنی باشد که قدرت بنا بر قانون واگذار شده و آنچه به طور قانونی انجام یافته، مشروع دانسته می‌شود.⁽³³⁾ به نظر وبر یکی از عوامل مهم دگرگونی جامعه سنتی رشد و گسترش عقلانیت و بوروکراسی مبتنی بر هنجارهای عینی و قانونی است. مهم‌ترین مظهر و فرایند عقلانی شدن در تاریخ غرب، پیدایش بوروکراسی عقلایی بوده که به دیگر بخش‌های جهان نیز سرایت کرده است. در این نوع اقتدار رابطه حکم و اطاعت غیرشخصی است. حکم و اطاعت نه بر مبنای سنت‌های قدیمی و نه بر پایه ویژگی‌های خاص شخصی، بلکه مبتنی بر هنجارهای قانونی یعنی تفکیک وظایف است.⁽³⁴⁾

تلقى از مشروعیت نظام سیاسی حاکم نزد گروه‌های اجتماعی در یک جامعه

تحت تأثیر برخی از عوامل در طول زمان می‌تواند تحول یافته و از یک نوع به نوع دیگر تبدیل شود. دانشجویان از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که میزان آگاهی سیاسی آنها، نوع تلقی‌شان از مشروعیت را تعیین می‌کند. برای تبیین این مهم در پژوهش حاضر، مدل تجربی‌ای مدنظر بوده که مشتمل بر سه متغیر است: متغیر اصلی نوع تلقی از مشروعیت سیاسی است، متغیر واسطه آگاهی سیاسی است که تأثیر آن در ارتباط با دو دسته متغیر شامل عوامل جمعیتی و اجتماعی سنجیده می‌شود. در پایان این مهم تبیین می‌شود که افزایش میزان آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان تحت تأثیر این دو دسته از متغیرها یعنی عوامل جمعیتی و اجتماعی سبب تغییر در متغیر اصلی یعنی نوع تلقی از مشروعیت نظام حاکم می‌گردد.

نمودار شماره 1. مدل تجربی تحقیق



مهم‌ترین فرضیات این تحقیق عبارتند از:

1. بین آگاهی سیاسی دانشجویان و تغییر در نگرش آنها در خصوص مشروعیت نظام سیاسی ارتباط وجود دارد.
2. بین ویژگی‌های فردی (سن، جنس، تحصیلات، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی و...) دانشجویان و تغییر در نگرش آنها از یک نوع مشروعیت به نوع دیگر، ارتباط وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

رویکرد حاکم بر این تحقیق کمی¹، روش آن پیمایشی² و جمع‌آوری اطلاعات در آن از طریق پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه اصفهان است که بر اساس آخرین آمار رسمی اداره آموزش دانشگاه در سال 1387 جمعیت کل دانشجویان این دانشگاه برابر 15965 می‌باشد. برای حجم نمونه از جدول لین استفاده شده است.⁽³⁵⁾ حجم نمونه 120 نفر در نظر گرفته شده است. به خاطر بالا بردن پایایی³ ابزار تحقیق 150 نفر در نظر گرفته شد. جهت انتخاب نمونه، از نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک استفاده به عمل آمد. برای سنجش آگاهی سیاسی و مشروعیت سیاسی به صورت ذیل عمل شد:

آگاهی (معرفت) عبارت است از انعکاس فعال جهان عینی و قوانین آن در مغز انسان. جهان پیرامون انسان با کلیه پدیده‌ها و روندها و قوانین خود موجودیت عینی دارد، یعنی مستقل از شعور و حواس ما وجود دارد. این جهان عینی با رویدادها و روندهای عینی و قانونمندی‌های عینی‌اش بر انسان تأثیر می‌کند. در این پژوهش منظور از آگاهی سیاسی دانشجویان، شناخت نسبت به مسائل و تحولات سیاسی - اجتماعی است که با استفاده از سؤالات ذیل مورد سنجش قرار گرفته است:

- c تا چه میزان با روند انتخابات ریاست‌جمهوری در کشورمان آشنا هستید؟
 - c تا چه اندازه تحولات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران و واکنش غرب و امریکا در مقابل آن را دنبال می‌کنید؟
 - c تا چه میزان از ارکان و نحوه انتخاب مسئولان قوه قضائیه آگاهی دارید؟
 - c تا چه میزان با کارکرد و وظایف شورای نگهبان آشنا هستید؟
 - c تا چه حدی با ساختار و نحوه عملکرد مجلس شورای اسلامی آشنا هستید؟
- در این تحقیق آگاهی سیاسی با استفاده از سؤالاتی در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجش شده‌اند. قابل ذکر است که سؤالات مندرج در

1. Quantitative
2. Survey
3. Reliability

پرسشنامه برای سنجش آگاهی از مطالعات انجام شده در خارج و داخل اخذ شده‌اند که دارای اعتبار و روایی هستند.

وبر مفهوم مشروعیت را به صورت مفهومی عام بیان کرد. به عقیده او، مشروعیت بر باور مبتنی است و از مردم اطاعت می‌طلبد. مشروعیت را می‌توان مبانی حقانیت و تجویز اعمال سلطه تعریف نمود.⁽³⁶⁾ در این مقاله مفهوم مشروعیت سیاسی بر اساس نظریه وبر در سه بُعد مشروعیت عقلانی، مشروعیت سنتی و مشروعیت کاریزماتیک و هر بعد با استفاده از سؤال‌هایی در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است.

در پژوهش حاضر از روایی صوری و سازه‌ای¹ برای مفهوم مشروعیت و روایی صوری برای مفهوم آگاهی سیاسی، و برای کسب پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کرونباخ برای میزان آگاهی با تعداد 20 گویه برابر 0/89، بُعد عقلانیت از مشروعیت سیاسی با تعداد 5 گویه 0/70، برای بُعد کاریزماتیک با تعداد 4 گویه برابر 0/65، برای بُعد سنتی مشروعیت با 3 گویه برابر 0/59 و در کل برای مشروعیت سیاسی با 12 گویه برابر 0/68 می‌باشد. به منظور سنجش اعتبار صوری نیز پس از طراحی گویه‌های طیف‌های مربوطه (بر اساس تحقیقات انجام شده و دیدگاه‌های نظری) در اختیار اساتید و کارشناسان دانشگاه قرار گرفت. اظهار نظر این افراد در راستای سنجش گویه‌های هر طیف، در نهایت به گزینش گویه‌های مناسب برای هر طیف منجر شد.

جهت ارزیابی اعتبار سازه‌ای مشروعیت سیاسی ضمن استناد به مبانی نظری تحقیق و بالاخص دیدگاه وبر، از تحلیل عامل² استفاده شد. نتایج حاصل از ماتریس همبستگی میان گویه‌های متغیر مشروعیت سیاسی نشان می‌دهد گویه‌های این متغیر در سه بُعد متمرکز شدند به طوری که گویه‌های موجود در یک بُعد با سایر گویه‌های موجود در آن همبستگی معناداری داشته‌اند ولی با گویه‌های موجود در ابعاد دیگر این متغیر همبستگی معناداری نداشته و این همبستگی ضعیف بوده است.

برای سنجش ابعاد مشروعیت سیاسی از سؤالات ذیل استفاده شد. سؤال‌های 3

و 4 و 5 و 12 بُعد کاریزما را می‌سنجند؛ برای بُعد عقلانی گویه‌های 1 و 6 و 8 و 9 و 10 مد نظر بوده و بُعد سنتی با سه گویه 2 و 7 و 11 مورد سنجش قرار گرفتند.

سؤالات ذیل جهت شناسایی xها و عملیاتی‌سازی سازه‌ها آمده‌اند:

c دلیل اصلی مقبولیت نظام سیاسی کشور، مبتنی بودن آن بر عقلانیت است؟
(X1)

c به نظر شما نظام حاکم بر جامعه ما، مبتنی بر یک شیوه کاملاً سنتی است؟
(X2)

c خصلت‌های قهرمانانه، مردم‌انگیزی، جذبه ظاهری و بیانی یک شخصیت چه میزان در محبوبیت وی مؤثر است؟ (X3)

c شخصیت‌های فرهمند (خارق‌العاده) در جامعه ما تا چه اندازه از احترام برخوردارند؟ (X4)

c مردم ایران در انتخابات بیشتر به شهرت کاندیدا توجه می‌کنند تا افکار و عقاید آنها؟ (X5)

c ویژگی‌های شایسته‌سالاری، تخصص و کارایی در جامعه ایران رو به افزایش است؟ (X6)

c در دنیای امروز سنت‌ها و ارزش‌های مذهبی نمی‌تواند یک نظام اجتماعی و سیاسی را تغذیه کند؟ (X7)

c دلیل مقبولیت نظام سیاسی کشور، متکی بودن بر آرای مردم است؟ (X8)

c دستگاه‌های اداری در جامعه ما از عقلانیت لازم برخوردار نیستند؟ (X9)

c جامعه ایران در حال حاضر به سمت عقلانی شدن حرکت می‌کند؟ (X10)

c به نظر ما نظام حاکم بر جامعه ما، مبتنی بر یک شیوه کاملاً سنتی است.
(X11)

c یک شخصیت بزرگ به عقیده ما فردی متخصص، تحصیلکرده و روشنفکر است تا دارای وجهه ملی و مذهبی (X12).

بررسی دقیق الگوی همبستگی بین گویه‌های مشروعیت سیاسی این واقعیت را به ما نشان می‌دهد که هر مجموعه از گویه‌ها به یک عامل تقلیل یافته‌اند و بر این اساس متغیر مشروعیت سیاسی در این تحقیق از 12 گویه به 3 بُعد یا شاخص

کاهش یافته است. آزمون KMO در این ماتریس بیش از 0/70 یعنی 0/83 است؛ لذا نیازی به حذف هیچ گویه‌ای از این مجموعه نیست. آزمون کرویت بارتلت¹ در سطح حداقل 95 درصد اطمینان این معنی‌داری را نشان می‌دهد. جدول شماره 1 آمارهای اولیه برای تحلیل عامل را نشان می‌دهد. چنانچه آشکار است، مقدار ویژه² 3 عامل بیشتر از 1 است، لذا این 3 مورد بهترین عامل‌ها برای تحلیل عامل هستند و بیشترین واریانس طیف مورد نظر را تبیین می‌کنند.

جدول شماره 1. آمارهای اولیه برای مشروعیت سیاسی در تحلیل عامل

گویه‌ها	ضریب اشتراک	عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی
x1	1	1	3/082	25/68	25/68
x2	1	2	2/12	16/05	41/73
x3	1	3	1/509	8/54	50/28
x4	1	4	0/935	8/34	58/62
x5	1	5	0/772	7/78	66/40
x6	1	6	0/753	6/44	72/85
x7	1	7	0/721	5/96	78/82
x8	1	8	0/651	5/45	84/27
x9	1	9	0/551	4/64	88/92
x10	1	10	0/472	3/96	92/88
x11	1	11	0/442	3/71	96/59
x12	1	12	0/408	3/40	100/00

بعد از تعیین تعداد عامل‌ها، باید بدانیم عمده‌تاً چه گویه‌ای به چه عاملی اختصاص دارد. برای تشخیص این کار از «دوران عامل»³ استفاده می‌شود. جدول شماره 2 نحوه توزیع گویه‌ها در بین عامل‌ها را نشان می‌دهد. مثلاً گویه‌های x2، x7 و x11 در ستون نخست مشروعیت سنتی، گویه‌های x3، x4 و x5 و x12 مشروعیت کاریزماتیک و بقیه گویه‌ها در ستون سوم مشروعیت عقلانی را نشان می‌دهد.

1. Bartlet-Test
2. Agenvalue
3. Factor Rotation

جدول شماره 2. ماتریس عامل دوران یافته برای مشروعیت سیاسی

گویه‌ها	عامل 1 (مشروعیت سنتی)	عامل 2 (مشروعیت کاریزماتیک)	عامل 3 (مشروعیت عقلایی)
x1	-0/539	0/102	0/82
x2	0/702	-0/172	0/194
x3	-0/168	0/566	0/126
x4	-0/172	0/702	0/255
x5	-0/215	0/762	-0/080
x6	0/49	0/402	0/75
x7	0/71	0/019	0/157
x8	-/62	0/206	-0/290
x9	-0/54	0/159	0/74
x10	0/39	0/038	0/62
x11	0/71	0/086	0/355
x12	0/061	0/66	0/456

یافته‌های تحقیق

داده‌های تحقیق حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط 150 نفر دانشجوی در دانشگاه اصفهان تکمیل شده و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته که با استفاده از بسته نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی¹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است.

از تعداد نمونه آماری، 52 درصد از پاسخ‌گویان پسر و 43 درصد دختر بودند. بیشترین افراد پاسخ‌گو را رشته‌های علوم اجتماعی، سیاسی، علوم تربیتی و روان‌شناسی تشکیل می‌دادند به طوری که 33/3 درصد آنها در این رشته‌ها بودند. شاخص دیگر، ماهیت طبقاتی پاسخ‌گویان است که در 3 طبقه بالا، پایین و متوسط، تفکیک شدند. بیشترین تعداد پاسخ‌گویان یعنی 83/3 درصد طبقه میانی جامعه بودند. از نظر قومیت بیشترین تعداد دانشجویان را قومیت فارس تشکیل

1. Spss

می‌دادند. شاخص توصیفی دیگر در این تحقیق محل سکونت پاسخ‌گویان است. نتایج نشان می‌دهد 51 درصد پاسخ‌گویان اظهار کردند در نواحی شهری و 49 درصد آنها در نواحی روستایی سکونت داشته‌اند. شاخص دیگر مقطع تحصیلی است که 65/3 درصد آنها در مقطع لیسانس و 43/7 درصد آنها در مقطع فوق لیسانس بودند.

جدول شماره 3 نشان‌دهنده وضعیت میانگین نمره پاسخ‌گویان از منظر متغیرهای سن و میزان استفاده از رسانه‌ها و میزان آگاهی است. داده‌های جدول نشان می‌دهد میانگین سنی افراد مورد مطالعه برابر 22/32 سال است. شاخص دیگر میزان استفاده از رسانه‌هاست که میانگین آن برای افراد پاسخ‌گو برابر 25/26 دقیقه است. شاخص دیگر در این تحقیق میزان آگاهی افراد است که میانگین آن برای پاسخ‌گویان برابر 53/24 بوده است که این نمره در مقایسه با دامنه نمره (20 تا 100) در حد متوسط رو به بالایی است.

جدول شماره 3. توزیع نسبی شاخص‌های اجتماعی اقتصادی پاسخ‌گویان

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
سن	150	22/32	3/86
میزان استفاده از رسانه‌ها	150	25/26	4/86
میزان آگاهی	150	53/24	13/04

مقایسه ابعاد مختلف مشروعیت سیاسی: برای مقایسه ابعاد مختلف مشروعیت سیاسی از آزمون اندازه‌گیری مکرر¹ و آزمون تی بونفرونی² استفاده شده است. استفاده از این آزمون‌ها زمانی امکان‌پذیر است که تعداد گویه‌های طیف‌های مورد استفاده یکسان باشد. از آنجاکه تعداد گویه‌های ابعاد سه‌گانه مشروعیت سیاسی مساوی نیست، لذا ابتدا باید نمره افراد در هر بُعد به تعداد گویه‌های همان بُعد تقسیم شود تا میانگین نمره پاسخ‌گویان برای یک گویه در هر بعد محاسبه و سپس این نمرات با هم مقایسه شود. نتایج حاصل از آزمون اندازه‌گیری مکرر نشان می‌دهد بین برخی ابعاد تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون

تکمیلی تی بونفرونی نشان می‌دهد مسیر پتانسیل مشروعیت سیاسی از دید پاسخ‌گویان در بُعد عقلانی است (با میانگین نمره 3/44 از 5) و پس از آن بُعد کاریزماتیک با میانگین نمره 3/026 قرار دارد. این در حالی است که کمترین میزان مشروعیت سیاسی در بُعد سنتی (با میانگین 2/96) وجود دارد. بر اساس نتایج حاصل از آزمون تی، بین این ابعاد تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

جدول شماره 4. آزمون معنی‌داری تفاوت ابعاد مختلف مشروعیت سیاسی

بُعد	میانگین	بُعد سنتی	بُعد کاریزماتیک	بُعد عقلایی
بُعد عقلایی	3/44	—	/000	/000
بُعد کاریزماتیک	3/026	-2/89	—	/018
بُعد سنتی	2/966	3/96	1/093	—

بررسی فرضیه‌ها

برای آزمون متغیرهای مستقلی که در سطح سنجش فاصله‌ای قرار می‌گیرند، با متغیر وابسته که در سطح سنجش فاصله‌ای است، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده و جهت آزمون فرضیه‌هایی که متغیرهای مستقل آنها در سطح سنجش اسمی یا ترتیبی قرار دارد، از آزمون T (برای مقایسه دو میانگین) و از آزمون F (برای مقایسه بیش از دو میانگین) استفاده شده است. جدول شماره 5 ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای مستقل در سطح سنجش فاصله‌ای را نشان می‌دهد. آمارهای جدول نشان می‌دهد رابطه معناداری بین بعضی از ابعاد مشروعیت سیاسی با متغیرهای مستقل مندرج در جدول وجود دارد. مثلاً بین دو متغیر میزان آگاهی سیاسی و نقش رسانه‌های جمعی با بُعد عقلانی از مشروعیت سیاسی ارتباط معناداری وجود دارد. اما میان بُعد کاریزماتیک و آگاهی سیاسی رابطه معناداری در سطح پایینی است. این در حالی است که میان دو متغیر میزان آگاهی سیاسی و نقش رسانه‌های جمعی با بُعد سنتی از مشروعیت سیاسی ارتباط معناداری وجود ندارد. این فرضیه‌ها حداقل در سطح 95 درصد، معنادار بوده و تأیید شده‌اند.

جدول شماره 5. ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و ابعاد مختلف مشروعیت سیاسی

ابعاد مشروعیت سیاسی	متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بُعد کاریزماتیک	سن	0/043	0/59
	آگاهی سیاسی	0/21	0/007
	رسانه‌های جمعی	-0/020	0/81
بُعد سنتی	سن	0/063	0/440
	آگاهی سیاسی	0/049	0/552
	رسانه‌های جمعی	0/057	0/343
بُعد عقلایی	سن	-0/097	0/23
	آگاهی سیاسی	0/56	0/000
	رسانه‌های جمعی	0/24	0/002

جدول شماره 6 آزمون تفاوت نمره میانگین مشروعیت سیاسی در ابعاد مختلف را بر حسب رشته تحصیلی افراد نمونه نشان می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود در این جدول، میانگین نمره پاسخ‌گویان در رشته‌های مختلف تحصیلی در دو بُعد کاریزماتیک و عقلانی در این فرضیه با هم تفاوت دارد به طوری که میانگین این نمره در بُعد کاریزماتیک برای رشته‌های بهداشت و زیست از سایر رشته‌های تحصیلی بالاتر است و در بُعد سنتی برای رشته‌هایی چون تاریخ و جغرافیا نسبت به سایر رشته‌های تحصیلی بالاتر بوده است؛ اما میانگین نمره بُعد عقلانی برای تمامی رشته‌های تحصیلی تقریباً با هم برابر بوده و تفاوت معناداری بین آنها دیده نمی‌شد. لذا تفاوت مشاهده شده برای دو بُعد سنتی و کاریزماتیک بر اساس آزمون F و سطح معنی داری حداقل 0/95 معنی دار است.

جدول شماره 6. آزمون تفاوت میانگین مشروعیت سیاسی در ابعاد متفاوت آن بر حسب رشته تحصیلی

نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
بُعد کاریزماتیک	علوم اجتماعی	50	14/86	2/006	2/95	0/014
	علوم اقتصادی	27	13/07	2/33		
	فیزیک و شیمی	37	12/81	2/11		
	ادبیات	23	13/78	2/45		
	تاریخ و جغرافی	9	12/77	1/27		
	زیست و بهداشت	4	16/25	3/111		

0/001	4/316	2/006	11/12	50	علوم اجتماعی	بُعد عقلانی
		2/27	10/96	27	علوم اقتصادی	
		3/41	9/91	37	فیزیک و شیمی	
		2/25	10/39	23	ادبیات	
		1/39	13/77	9	تاریخ و جغرافی	
		1/25	12/75	4	زیست و بهداشت	

جدول شماره 7 آزمون تفاوت نمره میانگین مشروعیت سیاسی در ابعاد مختلف را بر حسب مقطع تحصیلی افراد نمونه نشان می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود در این جدول، میانگین نمره افراد لیسانس و فوق لیسانس در این فرضیه با هم در بُعد عقلانی تفاوت دارند اما این میانگین در ابعاد دیگر چون سنتی و کاریزماتیک با هم تفاوتی ندارند. تفاوت مشاهده شده بین میانگین نمره دو مقطع لیسانس و فوق لیسانس در بُعد عقلانی به ترتیب (15/43) و (13/80) می‌باشد و این تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون T و سطح معنی داری (Sig=0/05) در سطح حداقل 0/95 معنی دار است. لذا فرضیه مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره 7. آزمون تفاوت میانگین مشروعیت سیاسی در ابعاد متفاوت آن بر حسب مقطع تحصیلی

نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
بُعد عقلانی	لیسانس	98	15/43	5/4	3/89	0/05
	فوق لیسانس	52	13/80	4/35		

جدول شماره 8 آزمون تفاوت نمره میانگین مشروعیت سیاسی را در ابعاد مختلف بر حسب جنسیت افراد نمونه نشان می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود در این جدول، میانگین نمره مردان و زنان در این فرضیه با هم تفاوت دارد به طوری که میانگین این نمره برای زنان و مردان به ترتیب (16/04) و (13/82) است و این تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون T و سطح معنی داری (Sig=0/005) در سطح حداقل 0/95 معنی دار است. به عبارتی می‌توان گفت میزان مشروعیت در بُعد عقلانی در بین مردان بیشتر از زنان است.

جدول شماره 8. آزمون تفاوت میانگین مشروعیت سیاسی در ابعاد متفاوت آن بر حسب جنسیت

نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
بُعد عقلانی	مرد	79	16/04	4/70	2/85	0/005
	زن	71	13/82	4/79		

جدول شماره 9 آزمون تفاوت نمره میانگین مشروعیت سیاسی در ابعاد مختلف بر حسب هویت طبقاتی افراد نمونه را نشان می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود در این جدول، میانگین نمره مشروعیت سیاسی در بُعد سنتی برای افراد طبقات پایین جامعه بیشتر از میانگین نمره افراد در طبقات بالا و متوسط جامعه است. این تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون F و سطح معنی داری (Sig=0/003) در سطح حداقل 0/95 معنی دار است.

جدول شماره 9. آزمون تفاوت میانگین مشروعیت سیاسی در بُعد سنتی بر حسب هویت طبقاتی

نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
بُعد سنتی	طبقه بالا	12	9/66	3/86	4/22	0/003
	طبقه متوسط	125	10/91	2/49		
	طبقه پایین	13	12/5	1/38		

جدول شماره 10 آزمون تفاوت نمره میانگین مشروعیت سیاسی در دو بُعد سنتی و کاریزماتیک مختلف بر حسب محل تولد افراد نمونه را نشان می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود در این جدول، میانگین نمره مشروعیت سیاسی در دو بُعد سنتی و کاریزماتیک برای افرادی که محل تولد آنها در نواحی روستایی است، نسبت به کسانی که محل تولد آنها در نواحی شهری است، بیشتر است. این تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون F و سطح معنی داری (Sig=0/033) در سطح حداقل 0/95 معنی دار است.

جدول شماره 10. آزمون تفاوت میانگین مشروعیت سیاسی در دو بُعد سنتی و کاریزماتیک بر حسب محل تولد

نام متغیر	نام مقوله	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
بُعد سنتی	مرکز استان	80	10/51	2/74	3/09	0/033
	شهر	59	9/32	2/54		
	روستا	10	12/001	1/72		

0/023	3/26	4/58	12/00	80	مرکز استان	بُعد کاریماتیک
		3/29	13/07	59	شهر	
		2/83	14/70	10	روستا	

جدول شماره 11 آزمون تفاوت نمره میانگین مشروعیت سیاسی را در دو بُعد سنتی و عقلانی بر حسب عضویت در نهادها افراد نمونه نشان می‌دهد. با توجه به آمارهای موجود در این جدول، میانگین نمره مشروعیت سیاسی پاسخ‌گویان در بُعد سنتی برای کسانی که در تشکل‌های اسلامی هستند، بیشتر از سایر تشکل‌هاست. در حالی که میانگین مشروعیت سیاسی در بُعد عقلانی برای کسانی که در انجمن‌های علمی قرار دارند بیشترین فراوانی را نشان می‌دهد. این تفاوت‌های مشاهده شده میان افراد در عضویت‌های مختلف بر اساس آزمون F و در سطح حداقل 0/95 معنی‌دار است.

جدول شماره 11. آزمون تفاوت میانگین مشروعیت سیاسی در دو بُعد سنتی و عقلانی بر حسب عضویت در نهادها

معنی‌داری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	نام مقوله	نام متغیر
0/056	2/11	2/23	13/84	112	عدم عضویت	بُعد سنتی
		3/20	15/00	22	تشکل‌های اسلامی و مذهبی	
		4/03	14/20	7	تشکل‌های علمی	
0/015	2/73	4/32	14/93	112	عدم عضویت	بُعد عقلانی
		4/72	13/00	22	تشکل‌های اسلامی و مذهبی	
		3/51	20/15	7	تشکل‌های علمی	

جدول شماره 12 ضریب همبستگی پیرسون را بین انواع رسانه‌ها و میزان آگاهی سیاسی دانشجویان نشان می‌دهد. نتایج حاکی از این است که رسانه‌های الکترونیکی بیشتر از رسانه‌های چاپی در افزایش آگاهی سیاسی دانشجویان تأثیر دارد. در تقسیم‌بندی دیگری می‌توان گفت رسانه‌های مدرن تأثیر قوی‌تر، عمیق‌تر و فراگیرتری بر افزایش آگاهی سیاسی دارند. با توجه به آمارهای موجود در این

جدول رسانه‌های نوین (ایترنت، ماهواره و...) با 65 درصد، بیشترین تأثیر را بر آگاهی سیاسی دانشجویان داشته؛ این در حالی است که رسانه‌های کلاسیک (راديو، تلویزیون و...) با 11 درصد کمترین تأثیر را در میزان آگاهی سیاسی آنان داشته است.

جدول شماره 12. ضریب همبستگی پیرسون بین انواع رسانه‌ها و میزان آگاهی سیاسی

متغیر مستقل	نوع تقسیم‌بندی	ابعاد رسانه‌ها	r	Sig...
میزان آگاهی سیاسی	برحسب محتوا	رسانه‌های چاپی	0/24	0/017
		رسانه‌های الکترونیک	0/48	0/000
	برحسب صورت	رسانه‌های کلاسیک	0/11	0/051
		رسانه‌های نوین	0/65	0/000

رگرسیون چندمتغیره

در مقاله حاضر برای آزمون مدل تحقیق از آماره رگرسیون چندمتغیره به شیوه گام‌به‌گام¹ استفاده شده است. متغیرهایی که در این تحقیق دارای سطوح سنجش اسمی و ترتیبی بوده، به صورت متغیرهای ساختگی یا تصنعی وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. جدول شماره 13 عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای تبیین متغیرهای وابسته مشروعیت سیاسی را در دو بُعد عقلانی و کاریزماتیک و همچنین آگاهی سیاسی نشان می‌دهد. در اینجا تمام متغیرهای مستقل زمینه‌ای و مستقل واسطه‌ای به شیوه گام‌به‌گام وارد معادله شدند و برای بُعد عقلانی از مشروعیت سیاسی، دو متغیر مستقل آگاهی سیاسی و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی توانسته‌اند وارد معادله شوند و به عنوان متغیرهای پیش‌بینی‌کننده عمل کنند. در این معادله آگاهی سیاسی با مقدار (Beta=0/556) و ضریب معنی‌داری (Sig. T=0/000) و همچنین میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته 55/5٪ به دست آمده است. قابل ذکر است که میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = 30/1$ به دست آمده است. در مرحله دوم میزان استفاده از رسانه‌های جمعی با مقدار (Beta=0/41) و ضریب معنی‌داری (Sig. T=0/018) وارد معادله

رگرسیون شده‌اند و روی هم رفته 0/38 از مدل را تبیین و توضیح کرده‌اند. مدل دوم جهت پیش‌بینی بُعد کاریزماتیک از مشروعیت سیاسی به کار رفته است. نتایج نشان می‌دهد که در اینجا دو متغیر میزان تحصیلات و آگاهی با هم وارد معادله رگرسیونی شده است. در مرحله اول، میزان تحصیلات با مقدار (Beta=0/19) و ضریب معنی‌داری (Sig. T=0/006) و در مرحله دوم، میزان آگاهی سیاسی با مقدار (Beta=0/18) و ضریب معنی‌داری (Sig. T=0/003) به ترتیب میزان اهمیتی که در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند، وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و در مجموع توانسته‌اند 30 درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی کنند ($R^2=0/30$).

مدل سوم جهت پیش‌بینی متغیر واسطه آگاهی سیاسی به کار رفته است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که در این مدل سه متغیر جنسیت، میزان استفاده از رسانه‌ها و سن افراد وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. نخستین متغیری که در این مدل وارد شده، جنسیت است. به طوری که مقدار T برای این متغیر برابر (T=3/72) و ضریب معنی‌داری (Sig. T=0/000) می‌باشد. میزان ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته 0/36. به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با 0/13. $R^2=$ به دست آمده است. در مرحله دوم میزان استفاده از رسانه‌ها وارد معادله شده است، مقدار T برای این متغیر برابر (2/98) و ضریب معنی‌داری (Sig. T=0/002) می‌باشد. در اینجا با وارد شدن دومین متغیر ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته 0/44. به دست آمده است. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با 0/20. $R^2=$ حاصل شد. در گام سوم با وارد شدن سومین متغیر یعنی سن افراد، ضریب همبستگی چندگانه آن (R) با متغیر وابسته 0/47. به دست آمده است. مقدار T برای این متغیر برابر (T=2/16) و ضریب معنی‌داری (Sig. T=0/032) می‌باشد. در این مرحله میزان ضریب تعیین برابر با 0/22. $R^2=$ به دست آمده است.

جدول شماره 13. عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی مشروعیت سیاسی

وابسته	متغیر	B	Beta	مقدار T	Significant	R ²
بُعد عقلی	آگاهی سیاسی	0/19	0/556	7/57	0/000	0/30
	رسانه‌ها	0/10	0/41	3/27	0/018	0/38
F = 57/35 Sig = 0/000 Constant = 25/159						
بُعد کاریزماتیک	تحصیلات	1/26	0/195	2/23	0/027	0/24
	آگاهی سیاسی	0/043	0/182	2/08	0/039	0/30
F = 6/23 Sig = 0/003 Constant = 11/021						
آگاهی سیاسی	جنسیت	8/43	0/323	3/72	0/000	0/13
	رسانه‌ها	0/46	0/238	2/98	0/002	0/20
	سن افراد	0/63	0/186	2/16	0/032	0/22
F = 21/42 Sig = 0/000 Constant = 23/34						

بر اساس مقادیر Beta (زیرا این مقادیر استاندارد شده و امکان مقایسه و تعیین سهم نسبی هریک از متغیرها را فراهم می‌سازد) معادله رگرسیون چندمتغیره در تحقیق حاضر به این صورت می‌باشد:

$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

سه معادله رگرسیونی در این تحقیق طراحی شده است:

معادله 1: بُعد عقلی مشروعیت سیاسی = $0/556 + 25/159$ (آگاهی سیاسی) + $0/41$ (میزان استفاده از رسانه‌ها) + e_i

معادله 2: بُعد کاریزماتیک مشروعیت سیاسی = $0/182 + 11/021$ (آگاهی سیاسی) + $0/195$ (آگاهی سیاسی) + e_i

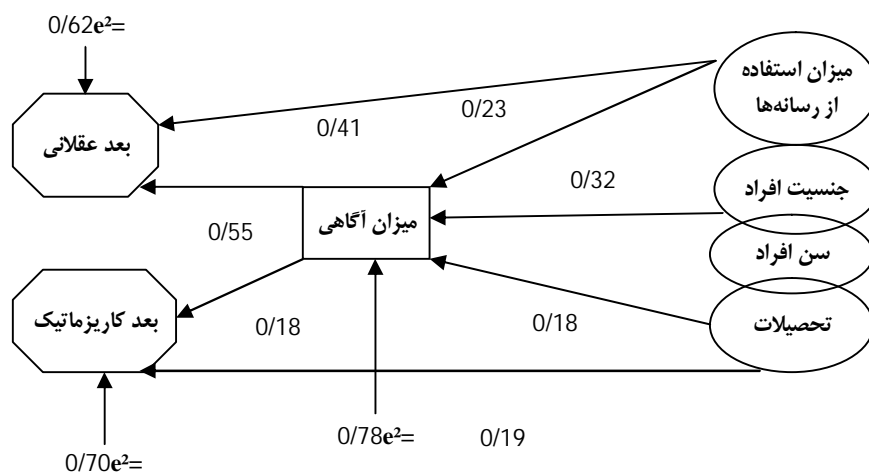
معادله 3: آگاهی سیاسی = $0/32 + 23/34$ (جنسیت) + $0/23$ (میزان استفاده از رسانه‌ها) + $0/18$ (سن افراد) + e_i

مدل تحلیل مسیر

مدل تجربی پژوهش، مدلی علی از نوع تحلیل مسیر¹ است. نکته حائز اهمیت در مدل‌های تحلیل مسیر آن است که با استفاده از این مدل‌ها می‌توان به حجم عظیمی از اطلاعات که می‌تواند روابط علی ارزشمندی را بیان می‌کند، دست

یافت. برای رسم مدل مسیر از ضرایب مسیر متغیرهایی استفاده شده که مقدار T آنها در سطح معناداری قرار دارد. ضریب مسیر در این مدل نماینده شدت رابطه بین دو متغیر با ثابت نگه داشتن اثر متغیرهای دیگر موجود در مدل است. در ضمن فلش‌های اضافی که از بیرون به متغیرها هدایت شده‌اند، به مقداری از واریانس‌های توضیح داده‌نشده برای هر متغیر برمی‌گردد که کنترل آنها از توان ما خارج بوده است. نتایج حاصل از مدل تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیر میزان آگاهی سیاسی با دو بُعد عقلانی و کاریزماتیک از مشروعیت سیاسی بر اساس نظریه وبر در جامعه مورد مطالعه به صورت مستقیم در ارتباط است اما با بُعد سنتی آن ارتباط معناداری نداشته است. از طرفی این متغیر خود تحت تأثیر عواملی چون جنسیت، میزان استفاده از رسانه‌ها و سن افراد دارد. در ادامه می‌توان گفت متغیر میزان تحصیلات تنها متغیری بوده که با بُعد کاریزماتیک از مشروعیت سیاسی در ارتباط بوده است. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل مسیر می‌توان عنوان کرد که هر اندازه آگاهی سیاسی در میان دانشجویان بالاتر رود مشروعیت سیاسی نظام به سمت عقلانیت حرکت می‌کند؛ هرچند در مواردی مشاهده شده که با افزایش میزان آگاهی، نوع تلقی برخی از دانشجویان از مشروعیت سنتی به کاریزماتیک تغییر یافته است.

نمودار شماره 2. مدل تحلیل مسیر



نتیجه‌گیری

مردم در هر جامعه‌ای با آگاهی از سیاست‌ها می‌دانند که چه مطالباتی باید از مجریان قانون داشته باشند و در مقابل دستیابی به حقوق خود، چه وظایفی باید انجام دهند. به عبارتی استیفای حقوق و مطالبات و ایفای وظایف و تعهدات میسر نخواهند شد مگر با مسلح شدن به سلاح آگاهی سیاسی و شناخت اهداف و وظایف دولت و نیز جایگاه فرد و رابطه‌اش با اقتدار دولت. بنابراین آگاهی سیاسی مردم و نیز احساس مسئولیت آنها در قبال سرنوشت خود، جامعه و کشورشان موجب احساس پاسخ‌گویی در وهله اول و در وهله دوم پاسخ‌گو بودن عملی مسئولان و مجریان سیاست - که انتخاب‌شده توسط همین مردم فاقد یا دارای آگاهی سیاسی هستند - شده و متضمن ارتقای مطلوبیت‌های جامعه و در نهایت بقای آن خواهد شد و اگر چنین آگاهی و احساس مسئولیتی در افراد جامعه وجود نداشته باشد طبیعی است مسئولان آن جامعه نیز نسبت به مؤاخذه و انتقاد در قبال عدم انجام یا قصور از وظایف خود احساس نگرانی نخواهند کرد.

از طرفی مشروعیت سیاسی کشور، مقوله‌ای است که مستقیم یا غیرمستقیم، خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر نگرش‌ها و دیدگاه‌های افراد جامعه قرار دارد. بر این اساس مطالعه کنش‌های سیاسی قشر روشنفکر و دانشجوی یک جامعه می‌تواند در ثبات آینده نظام سیاسی کشور مؤثر و مفید باشد. این قشر با آگاهی سیاسی خود می‌تواند موجب تحولاتی در آینده کشور شود. لذا شناخت صحیح از فکر و جهت‌گیری‌های سیاسی آنها و برنامه‌ریزی صحیح در راستای منافع نظام سیاسی کشور می‌تواند بر پایداری آن کمک نماید.

نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که مشروعیت سیاسی در سه بُعد سنتی، کاریزماتیک و عقلانی می‌تواند تحت تأثیر مؤلفه‌ها و متغیرهای مختلفی باشد و در میان آنها آگاهی سیاسی نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای دارد. نتایج حاصل از ضریب همبستگی نشان می‌دهد آگاهی سیاسی با بُعد عقلانیت برابر $r=0/56$ و با بُعد کاریزماتیک برابر $r=0/21$ است و این در حالی است که ارتباط معناداری با بُعد سنتی نداشته است. میزان استفاده از رسانه‌های جمعی نیز با بُعد عقلانی برابر $r=0/$ است. در این راستا متغیرهای رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی و جنسیت در بُعد

عقلانی و کاریزماتیک نقش معناداری دارند. نتایج ضریب رگرسیونی نشان می‌دهد که مدل تحقیق در سه بُعد مشروعیت سنجش شده که در نهایت دو مدل عقلانی و کاریزماتیک قابل پیش‌بینی بوده است. دو متغیر آگاهی سیاسی ($Beta=0/55$) و میزان استفاده از رسانه‌ها ($Beta=0/41$) توانسته‌اند مقدار 38 درصد از تغییرات مشروعیت در بُعد عقلانی و تحصیلات ($Beta=0/19$) همراه با آگاهی سیاسی ($Beta=0/18$) توانسته‌اند 30 درصد از واریانس متغیر وابسته در بُعد کاریزماتیک را تبیین و پیش‌بینی کنند.

نتایج حاصل از تحقیق حاضر فرضیه اصلی ویر را که «با افزایش آگاهی سیاسی در یک جامعه، مشروعیت نظام از سستی به سمت عقلانیت در حرکت است»، تأیید می‌کند. نتایج حاکی از این مطلب است که هر اندازه آگاهی سیاسی در میان دانشجویان بالاتر رود، در نگرش آنها مشروعیت سیاسی نظام، از سستی به سمت عقلانیت حرکت می‌کند. اما نکته قابل تأمل در پژوهش حاضر این مهم است که با افزایش میزان آگاهی سیاسی دانشجویان، در نگرش آنها مشروعیت کاریزماتیک نیز بالاتر می‌رود و این نتیجه خود می‌تواند عاملی در تقویت شخصیت‌های کاریزماتیک جامعه و حمایت از آنها باشد. از آنجاکه نظام سیاسی کشور از یک اقتدار کاریزمایی نیز برخوردار است لذا نمی‌توان وجود آن را در نگرش و ایده‌های افراد جامعه - هرچند در نگرش‌ها و باورهای افراد تحصیلکرده - منکر شد. با توجه به رویه مذهبی و ارزشی نظام سیاسی جامعه ایران و نقش نهاد مذهبی در آن به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی، می‌توان گفت هرچند جامعه ما به جریان صنعتی شدن وارد شده اما در کنار این تغییر و تحولات، ارزش‌ها و اعتقادات مذهبی نقش خود را حفظ کرده و به عنوان نیروی نظارت‌کننده (بر اساس آنچه پارسونز بحث می‌کند) در جهت نظارت بر رفتار افراد جامعه ایفای نقش می‌کند. \square

پی‌نوشت‌ها

1. داوود فیرحی، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام (دوره میانه)، چاپ سوم، (تهران: نشر نی، 1378)، ص 21.
2. محمدتقی ایمان، «رفتار انتخاباتی و مشارکت سیاسی مردم در هفتمین انتخابات ریاست‌جمهوری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، 1376، شماره 34، صص 475-494.
3. همان، ص 477.
4. محمدتقی ایمان، و گل‌مراد مرادی، «بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با تعهد اجتماعی جوانان در شهر شیراز»، مجله پژوهشی علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، 1387، شماره 27، صص 43-57.
5. محمدتقی ایمان، و حسین منفرد، «بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر رضایتمندی سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد واحد شیراز»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، 1385، دوره 24، شماره 2، صص 9-25.
6. قدرت‌الله بازیگر، و سهراب مرادی‌زاده، سنجش میزان آگاهی سیاسی دانش‌آموزان شاهد مقطع متوسطه استان لرستان، پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگ ایثار و شهادت، 1383.
7. مجید فلاح، بررسی میزان آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه شاهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، 1376.
8. حسین رحمت‌الهی، «مشروعیت حکومت از دیدگاه اسلام و ماکس وبر»، مجله اندیشه‌های حقوقی، 1382، شماره 5، صص 137-170.
9. Leeson, T., Peter, "Media Freedom, Political Knowledge and Participation", *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 22, No. 2, 2008, pp. 16-155.
10. Bolsen, T., "Motivating Sources of Political Awareness: Do Personal Stakes Matter?", *Paper Presented at the Annual Meeting of the International Society of Political Psychology*, Classical Chinese Garden, Portland, Oregon USA Online APPLICATION/PDF. 2009-05-24 from http://www.allacademic.com/meta/ p208505_index.html
11. Fournet, M., "Stereotype Threat and the Gender Gap in Political Knowledge", *Paper Presented at the 2005 Rice Undergraduate Conference*, (Houston: Texas, January 14-16, 2005).
12. Gronlund, K., "Political knowledge and the Internet", *Paper Prepared for Presentation at the XIV Tri-annual Conference of the Nordic Political Association (NOPA0, Reykjavik 11-13*

August 2005).

13. Claassen, L. R., and Highton, B., "Policy Polarization among Party Elites and the Significance of Political Awareness in the Mass Public", *Political Research Quarterly*, Sep 2009. Vol. 62, Iss. 3; pp. 14 & 538.

14. M. Dogan, "Conceptions of Legitimacy", in: HawKeworth, M. and Kogan, M. *Encyclopedia of Government and Politics*, 2nd edition, (London: Routledge, 2004), p. 35.

15. ایمان و منفرد، پیشین، ص 612.

16. سید رضا موسوی، «عقل و مشروعیت سیاسی از نظر ماکس وبر و هابرماس»، *کیهان فرهنگی*، 1376، ص 32.

17. Neuman, W. L., *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*, (UK: Allen and Bacon Press, 1991), p. 30.

18. عبدالعلی قوام، *سیاست‌های مقایسه‌ای*، (تهران: انتشارات سمت، 1380)، ص 151.

19. همان، ص 152.

20. همان، ص 108.

21. ماکس وبر، *اقتصاد و جامعه*، مترجم: عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده، (تهران: انتشارات سمت، 1384)، ص 43.

22. ایمان و منفرد، پیشین، ص 13.

23. وبر، پیشین، ص 312.

24. همان، ص 313.

25. کوزر، پیشین، ص 311.

26. وبر، پیشین، ص 313.

27. همان.

28. عبدالرحمن عالم، *بنیادهای علم سیاست*، چاپ پنجم، (تهران: نشر نی، 1378)، ص 107.

29. همان، ص 103.

30. لوئیس کوزر، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، مترجم: محسن ثلاثی، (تهران: انتشارات علمی، 1373)، ص 399.

31. وبر، پیشین، ص 312.

32. همان، ص 131.

33. عالم، پیشین، ص 107.

34. حسین بشیریه، *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، چاپ دوازدهم، (تهران: نشر نی، 1385)، ص 61.

35. Lin, N., *Foundation of Social Research*, (New York: MC Grew. Hill, 1974), p. 489.

36. وبر، پیشین، ص 43.